

اخوان

شاعر زمستان

پروفسور سیدحسین امین

۱- درآمد

پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، چند ماهی نیز به زندان افتاد و به قول خودش «برای همیشه از سیاست کناره گرفت» و تنها به کارهای ادبی پرداخت. نامه‌یی که اخوان پس از رهایی از زندان به دوستش محمد قهرمان نوشته و در آن از قصیده‌یی که به رسم توأبیین ساخته سخن گفته است، آگاهی‌هایی ارزشمندی از خاطرات و خطرات سیاسی پس از کودتای ۲۸ مرداد در بردارد.

۳- ادوار شعر اخوان

اخوان در سرودن شعر به سبک کلاسیک استاد بود؛ در آغاز در قصیده‌سرایی (به شیوه‌ی استادان کهن خراسان و خاصه منوچهری دامغانی) و غزل‌سرایی (ارغنون از جمله فعالیت‌های این دوره‌ی اوست) و سپس به سبک نو (به شیوه‌ی نیما، مانند مجموعه‌ی زمستان) طبع‌آزمایی کرد. به این ترتیب از جهت تطور ادبی، در نوجوانی و جوانی به قصیده‌گویی و غزل‌سرایی پرداخت؛ در دوره‌ی شکوفایی که با زمستان آغاز و با زندگی می‌گوید اما باید زیست تمام می‌شود، در مکتب نیمایی اثرآفرینی کرد و سرانجام در اواخر عمر که به‌عنوان استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌های تهران، تربیت معلم و شهید بهشتی هم تدریس می‌کرد، دوباره به شعر کلاسیک روی آورد که نقطه‌ی پایانی آن ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم، است.

به ترتیب تاریخی از جمله آثار اخوان ثالث می‌توان به‌عنوان‌های زیر اشاره کرد: ارغنون (مجموعه شعر، ۱۳۳۰)؛ زمستان (مجموعه شعر، ۱۳۳۵)؛ آخر شاهنامه (مجموعه شعر، چاپ اول، ۱۳۳۸)؛ زندگی می‌گوید اما باید زیست، از این اوستا (مجموعه شعر، ۱۳۴۵)؛ پاییز در زندان (پس از سال ۱۳۴۵)؛ منظومه‌ی شکار (۱۳۴۵)؛ بهترین امید مجموعه مقالات (جلد اول، ۱۳۵۰)؛ نقیضه و نقیضه‌سازان، بدعت‌ها و بدیع نیما یوشیج (۱۳۵۷)؛ مرد جن زده (مجموعه‌ی داستانی، ۱۳۵۷)؛ در حیات کوچک پاییز ، ... (مجموعه شعر)؛ حریم سایه‌های سبز (مقاله؛ زیر نظر مرتضی کاخی، ۱۳۷۳)؛ عطا و لقای نیما یوشیج (۱۳۶۱)؛ درخت پیر و جنگل (کتاب قصه برای کودکان)؛ ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم (۱۳۶۸).

۴- جایگاه اخوان در شعر معاصر

اخوان، جامع ویژگی‌های بهار و نیماست. او شعر نیمایی را به اختصاص، بیش از هر شاعر نوپرداز دیگری تعالی و ترقی داد و مهم‌تر آن‌که با چیرگی خود در هر دو شیوه‌ی شعر کلاسیک و شعر نو، بین

از جهت جامعیت در شعر نو و شعر کلاسیک مهدی اخوان ثالث (م. امید) برترین شاعر پس از بهار و نیماست. در شعر نو، شاملو، سهراب، فروغ، و در شعر کلاسیک حمیدی شیرازی، رهی معیری، شهریار، امیری فیروزکوهی و دیگران هم‌ردیف اویند هر کدام جایگاه خاص خویش را دارند، اما فقط اخوان است که در هر دو سبک در ردیف اول ایستاده و بلافاصله پشت سر بهار و نیما نشسته است. حمیدی شیرازی شعر نو نمی‌فهمید و شاملو کهن سرا نبود؛ تنها اخوان است که جامع هر دو سبک است.

۲- زیست‌نامه‌ی اخوان ثالث

مهدی اخوان ثالث «م. امید» (۱۳۰۷ - ۱۳۶۹) فرزند علی، تحصیلات ابتدایی و هنرستان صنعتی را در مشهد به پایان برد. اخوان ثالث از سال ۱۳۲۳ به سرودن شعر پرداخت و بر اثر تشویق و راهنمایی‌های استاد مدرسه‌اش (پرویز کاویان) شوق بیش‌تری به شعر پیدا کرد. نخستین شعری که سرود در زمینه‌ی توحید و یکتایی خداوند بود و اولین جایزه‌یی که بر اثر سرودن همان شعر دریافت کرد، کتاب مسالک‌المحسنین تالیف طالب‌اف بود که افتخار الحکمای شاهرودی (مسنن) به او داد و همین تشویق، موجب شد که در طریق شعر و شاعری پیش رود و توجه استادان شعر و ادب خراسان را به خود معطوف دارد و به عضویت انجمن ادبی مشهد (زیر نظر استاد زنده‌یاد محمود فرخ خراسانی) درآمد. تخلص «امید» را نیز استاد نصرت (منشی‌باشی) شاعر خراسانی برایش برگزید. چندی نیز به موسیقی روی آورد و تار می‌نواخت و در دستگاه‌های ایرانی تمرین می‌کرد، اما به سبب مخالفت پدرش از کار موسیقی دست کشید.

اخوان، در سال ۱۳۲۷ ساکن تهران شد و به خدمت آموزش و پرورش درآمد و به دبیری پرداخت و پس از چندی به سمت مامور «از وزارت آموزش و پرورش» در «وزارت اطلاعات» (یعنی «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» بعد از انقلاب) مشغول همکاری شد و در این سمت، وظیفه‌اش نظارت بر برنامه‌های ادبی بود. وی هم‌چنین به کار صدا برگردانی (دوبله) فیلم‌های مستند و نویسندگی در مطبوعات در موضوعات ادبی، هنری، شاعری و همکاری با رادیو مشغول بود.

اخوان، نماد فرهنگی / سیاسی نیم‌قرن روزگار خودش بود. او از جهت فرهنگی از توس تا یوش و از جهت سیاسی دو بحران مهم از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ را تجربه کرد. او در جوانی که به تهران آمد (حدود ۱۳۲۷)، گرایش‌های چپ‌روانه داشت،

ازین روش هم معتبر دوست دارم
 من آن راستین پیر را، گرچه رفته‌ست
 از افسانه آن سوی‌تر، دوست دارم
 اندیشه‌های فلسفی و باورهای دینی اخوان را در مقدمه‌ها و
 موخره‌های دفترهای شعرش، مقاله‌هایش که به همت دکتر مرتضی
 کاخی گردآوری شده است و نیز نامه‌هایش که ده عدد آن‌ها را اخیراً
 محمد قهرمان به چاپ سپرده است و اخوانیه‌ی بلندش که غلامرضا
 صدیق منتشر کرده است، می‌توان دید.

۶- داوری داوران

دکتر عباس زریاب خویی، اخوان را برجسته یا فوق‌العاده
 exrta-oradinary معرفی کرده است و دکتر غلامحسین
 یوسفی او را با شاعران بزرگ جهان قابل قیاس دانسته؛
 دکتر شفیع کدکنی در جایی گفته است که او
 حافظ را تنها از راه شناسایی اخوان خراسانی
 فهم کرده است. (ر. ک. شفیع کدکنی،
 محمدرضا «اخوان ثالث» کسی که من فهم شعر
 حافظ را به او میدونم، ماهنامه‌ی حافظ،
 شماره‌ی ۶ (شهریور ۱۳۸۳، صص ۴۲-۴۳)

۷- اخوان در ماهنامه‌ی حافظ

خوشحالییم که تاکنون مکرر
 نمونه‌هایی از آثار و اشعار اخوان را
 در ماهنامه‌ی حافظ آورده‌ایم، از
 جمله:

- ۱- شعر «ای شیر پیر بسته به
 زنجیر» را که برای زنده‌یاد دکتر محمد
 مصدق ساخته است. (ر. ک. حافظ،
 شماره‌ی ۴، تیر ۸۳)، ص ۳۸.
- ۲- قصیده‌ی «جشن بهاران» به مطلع
 «اردوی بهاران چو کاروان‌ها» (ر. ک. حافظ، شماره‌ی
 ۶ (شهریور ۸۴)، ص ۴۴)
- ۳- «باغ بی‌برگی»، همان‌جا.
- ۴- «ای مرد! ای دلیر»، باز هم برای مصدق (ر. ک. حافظ،
 شماره‌ی ۱۲، اسفند ۸۳)، ص ۱۲.
- ۵- شعر استاد شفیع کدکنی برای اخوان (حافظ، شماره‌ی ۱۸
 (شهریور ۸۴)
- ۶- مرگ در آثار اخوان، همان‌جا، ص ۱۴ و ...

۸- نتیجه

اخوان، بی‌گمان یکی از برترین شاعران پارسی‌زبان در یکصد
 ساله‌ی اخیر است؛ اشعار او در حافظه‌ی جمعی ایرانیان جا افتاده است؛
 شعر زمستان او در میان خزاینه‌ها، برفیه‌ها و زمستانیه‌های ادب
 پارسی بی‌نظیر است. هاتف اصفهانی با ترجیع‌بندش جاودانه شده
 است و اخوان با «زمستان» اش. ■

این هر دو شاخه‌ی ادب منظوم فارسی معاصر، پیوستگی و آشتی
 ایجاد کرد و هر دو را توسعه و تعمیق داد. در نتیجه، هم علاقه‌مندان
 شعر کلاسیک و هم نوپردازان، در شعر اخوان، رگه‌هایی از خلاقیت
 می‌یابند، به نوعی که می‌توان شعر نو او را تداوم طبیعی سبک
 خراسانی در عصر حاضر خواند. به همین دلیل، ادیبانی که به سبک
 کهن دل بسته‌اند، با شعر نیمایی اخوان بیش از هر شعر نو دیگر
 احساس تفاهم دارند. این مقبولیت هم افزون بر سختگی و پختگی
 زبان خراسانی شعرهای نیمایی اخوان، مرهون مقاله‌هایی‌ست که
 اخوان با عنوان «بدعت‌ها و بدایع نیما» در توجیه و
 مشروعیت‌بخشیدن به شعر نیمایی نوشت. او در این مقالات ثابت
 کرد که شعر نو مبانی و مبادی خاص خود را دارد، «آزاد و رها» نیست.
 به این ترتیب، اخوان شعر نیمایی را گسترش داد و مقبولیت
 بخشید.

اخوان، شعر نیمایی را با شعر کلاسیک یعنی
 نوآوری را با سنت پیوند زد. بعضی او را به
 همین دلیل، روایتگر فضاهای تاریخی و
 منظومه‌پردازی سنتی / ملی
 خوانده‌اند که با نوعی گذشته‌نگری
 به تاریخ‌های دور و ادیان کهن ایرانی
 گرایش داشته است و به قضاوت
 تاریخی نشسته و در آرزوی منجی
 / سوشینات موعود سخن گفته
 است. و... اما راستی را، اخوان از
 چهره‌های برتر شعر فارسی در
 سده‌های اخیر است.

۵- موضع اخوان نسبت به دین و فلسفه

اخوان، از جهت دینی و فلسفی
 ملغمه و معجونی از اعتقادات مختلف بود،
 توأم با تردیدهای فیلسوفانه و
 انتخاب‌های شاعرانه. او خودش را
 «مزدشتی» مسلک می‌دانست که هم به مزدک و هم
 زرتشت علاقه‌مند بود. نام پسرش را هم زرتشت نهاد. این علایق در
 قصیده‌ی «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم»، تبلور مضاعفی یافته
 است، بویژه آن‌جا که می‌گوید چون زرتشت قیام به سیف نداشته است،
 او را «بیش‌تر» دوست دارد:

گران‌مایه زردشت را من فزون‌تر
 ز هر پیر و پیغامبر دوست دارم
 بشر بهتر از او ندید و نبیند
 من آن بهترین از بشر دوست دارم
 سه نیکش بهین رهنمای جهان‌ست
 مفیدی چنین مختصر دوست دارم
 ابرمرد ایرانی‌یی راهبر بود
 من ایرانی راهبر دوست دارم
 نه گشت و نه دستور گشتن به کس داد